

رهبر شهید انقلاب چگونه امام رضا(ع)را زیارت می‌کردند؟

# آداب حضور در محضر ولی؛ از طهارت باطن تا ادب رفتار

■ **ریحانه عامل نیک** |

خاطرات و معارف مربوط به زیارت امام رضا(ع) در سخنان شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، فقط روایت چندسفر یا یادآوری چندلحظه معنوی نیست، بلکه نوعی درسنامه عملی درباره‌نسبت انسان با حرم، دعا، حضور قلب و ادب‌بندگی است. در این خاطرات، زیارت از یک عمل ظاهری فراتر می‌رود و به یک سلوک تربیتی تبدیل می‌شود؛ سلوکی که در آن، دل انسان باید از اشتغالات روزمره فاصله بگیرد و در برابر عظمت امام هشتم(ع) خاضع، بیدار و متوجه شود. آنچه در این بیانات برجسته است، نه تنها تجربه شخصی ایشان از انس با بارگاه رضوی و زیارت امام رئوف حضرت رضا(ع)، بلکه تبیین آدابی است که می‌تواند زیارت را از حضور جسمانی صرف به پدیده‌ای معنوی و زیارت و دیداری وجودی و روحی بدل کند. در ادامه با استفاده از منابع موجود، مروری بر این موارد داریم.

■ **زیارت؛ فراتر از حضور در مکان مقدس**

در منظومه فکری رهبر شهید ملت ایران، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای امر زیارت تنها به مثابه طی طریق به سمت مولا و رفتن به حرم مطهر و خواندن چند دعا یا انجام چند عمل مستحب نیست. اصل زیارت، توجه و اتصال قلبی به صاحب حرم و بارگاه است. ممکن است کسی بارها به حرم برود، اما اگر دلش درگیر دنیا، غفلت یا عادت باشد، از حقیقت زیارت بهره چندانی نبرد. در مقابل، گاه یک لحظه توجه صادقانه، یک سلام از عمق جان و یک اشک از سر معرفت، اثر تربیتی بسیار بیشتری از یک حضور طولانی امری بی‌توجه دارد. از همین رو، زیارت در این بیان، نوعی معرفت و ورود آگاهانه به حرم ولایت است، زائر باید بداند به کجا آمده، در برابر چه مقامی ایستاده و چه نیازی را با خود آورده است. اگر این معرفت در دل زنده شود، رفتار انسان نیز خودبه‌خود تغییر می‌کند؛ سخنش، نگاهش، راه رفتنش، دعا کردنش و حتی سکوتش معنا پیدا می‌کند. بنابراین در ساحت اندیشه‌ای رهبر شهید ملت ایران زیارت، مدرسه‌ای است که در آن، انسان می‌آموزد چگونه از ظاهر عبور کند و به باطن برسد.

رهبر شهید انقلاب در بخش ماهیت‌شناسی زیارت به‌رکن دیگری نیز توجه می‌دهند و آن معرفت زائر به زیارت و علم و آگاهی به مقام امام است؛ چراکه معرفت دینی و معرفت به امام، چراغ راهی در تاریکی هاست، به‌فرمایش ایشان «علاوه بر ایمان دینی، معرفت دینی [از] است و زیارت باید با معرفت همراه باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۷۱۹)

■ **خاطره‌های شخصی؛ انس دیرینه با حرم مطهر رضوی**

در مرور سلوک رفتاری و معنوی رهبر شهید ملت ایران در زیارت امام هشتم(ع) بخش مهمی از این روایت‌ها به خاطرات شخصی و مشاهدات نزدیکان، از جمله مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی

## گفت‌وگو

**مریم احمدی شیروان** | گاه تاریخ با رخدادهایی مواجه می‌شود که مرزهای زمان را در هم می‌شکنند و مفاهیمی ابدی را در دل خود جای می‌هد. امروز پس از وداع با رهبر شهید، آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و در ایام پس از واقعه عاشورا، با چشمانی اشکبار و قلبی پرسشگر، بار دیگر به نقش بی‌بدیل حضرت زینب(س) می‌نگریم؛ بانویی که در اوج مصیبت، پرچم تبیین را برافراشت و نغذاشت حقیقت در غبار تحریف گم شود. این همزمانی معنادار، ما را به درکی عمیق‌تر از پیوند میان شهادت، مقاومت و رسالت روشنگری می‌رساند؛ پیوندی که از کربلا تا امروز، در هر عصر، جلوه‌ای تازه می‌یابد. برای واکاوی این ارتباط عمیق و تبیین وظایف خطیر دوران پس از شهادت، با دکتر زاهره سادات میرجعفری، پژوهشگر مطالعات تطبیقی خانواده و مطالعات زنان به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. همراه ما باشید تا در این مسیر، چراغی از بصیرت بیابیم.

■ **حسین زمان؛ تجسم ارزش‌های قیام در عصر کربلاهای مدرن**

دکتر میرجعفری در آغاز این گفت‌وگو به تبیین مفهوم حسین زمان پرداخته و می‌گوید: وقتی از حسین زمان سخن می‌گوییم، منظور لزوماً یک فرد مشخص نیست، بلکه ارزش ایستادگی است. در هر دوره‌ای که ظلم، بی‌عدالتی، فساد و انحراف در برابر حق قرار می‌گیرد، آن کسی که با تمام توان برای احقاق حق و مبارزه با باطل قیام می‌کند، حسین زمان است. همچنان که قیام امام حسین(ع) تنها یک جنگ نظامی نبود، بلکه یک انقلاب در ارزش‌ها بود. پس حسین زمان کسی است که در برابر کربلاهای مدرن؛ مانند فقر، استعمار، تبعیض، فساد اخلاقی و ظلم ساختاری سکوت نمی‌کند و براساس اصول اخلاقی و اعتقادی، استقلال خود را در برابر قدرت‌های طاغوتی حفظ می‌کند.

این پژوهشگر مطالعات زنان در ادامه به نقش حضرت زینب(س) و وظایف زینبی‌های این دوران می‌پردازد. او بیان می‌کند: اگر امام حسین(ع) نماد ایستادگی و قیام برای احقاق حق است، حضرت زینب(س) نماد برجسته تبیین، شجاعت بی‌نظیر در گفتار و حفظ هوشتدانه آرمان‌هاست. ایشان با روایت‌گری جسورانه و روشنگری بی‌پروا، پیام عاشورا را از تحریف و فراموشی مصون داشتند. در دوران معاصر نیز زینبی بودن تنها به معنای صبر و سکوت منفعلانه نیست، بلکه وظایف بسیار فعالانه‌ای را شامل می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به روشننگری، مقابله با جنگ روایت‌ها و پرورش نسلی آگاه و متعهد اشاره کرد.

و کیفیت حضور خود نشان می‌دهد. این نگاه، به زیارت عمق می‌دهد و آن را به یک تجربه دامنآ زنده و تکرار شونده در حیات مؤمن تبدیل می‌کند.

■ **آداب زیارت؛ از آمادگی دل تا مراقبت رفتار**

اما با سیر در بیانات منتشر شده از رهبر شهید در روز زیارتی امام رئوف(ع) توسط درگاه رسمی ایشان، یکی از محورهای اساسی این بیانات، تأکید بر آداب زیارت است. آداب زیارت فقط مجموعه‌ای از مستحبات لفظی یا تشریفات دینی نیست، بلکه شیوه‌درست وارد شدن به محضر ساحتی مقدس است. زائر باید پیش از ورود، دل خود را آماده کند. این آمادگی با طهارت ظاهری آغاز می‌شود، اما به طهارت باطنی می‌رسد. انسان باید با توجه، توبه، استغفار و نیت خالص وارد حرم مطهر شود تا از این حضور بهره بگیرد. در این نگاه، عجله، پراکندگی خاطر، گفت‌وگوهای بی‌فایده، نگاه سطحی و حضور بی‌تأمل، با روح زیارت سازگار نیست. زائر باید بداند در محضر امام ایستاده است؛ پس ادب اقتضا می‌کند با وقار حرکت کند، با توجه سلام دهد، با خضوع دعا بخواند و غفلت را از دل خود کنار بزند. حتی کیفیت نگاه به ضریح خواندن زیارت‌نامه و انتخاب دعاها نیز باید همراه با شعور و حضور باشد، نه از سر عادت. آداب زیارت در این بیان، درواقع تمرین آداب



بندگی است. کسی که در زیارت یاد می‌گیرد چگونه حضور پیدا کند، چگونه سکوت کند، چگونه بخواند و چگونه اشک بریزد، در زندگی روزمره هم به مراقبت معنوی بیشتری می‌رسد. از این رو، زیارت فقط یک عبادت مقطعی نیست، بلکه تمرینی برای همه زندگی انسان است.

■ **حضور قلب و خشوع؛ جان حقیقی عبادت و زیارت**

در سخنان ایشان، حضور قلب و خشوع، اساس بهره‌مندی از عبادت و زیارت است. حضور قلب یعنی دل انسان بدانند کجاست، با چه کسی سخن می‌گوید و چه می‌خواهد. خشوع نیز حالتی است که در آن، نفس انسان در برابر عظمت حقیقت فروتن شده و احساس نیاز، کوچکی و وابستگی در او زنده می‌شود. زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) از بهترین موقعیت‌ها برای تجربه این حضور و خشوع است. فضای مطهر بارگاه رضوی، نام امام بزرگوار، تاریخ مجاهدات اهل بیت(ع)، امید مردم، اشک‌ها، دعاها و احساس نزدیکی به رحمت و غفران الهی، همه می‌توانند به انسان کمک کند از سطح عادت فراتر رفته و واقعاً متوجه شود. اما این امر خودبه‌خود رخ نمی‌دهد؛ بلکه نیازمند مراقبت درونی است. تأکید بر حضور قلب، درواقع بخشی از آموزه‌های اخلاق اسلامی و عرفان عملی است.

رسانه‌ای و جنگ‌های نرم، نیاز ما به بازخوانی الگوی زینبی برای پیشبرد جهاد تبیین بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود تا حقیقت، فراتر از لایه‌های دروغ، در قلب‌ها و ذهن‌ها تبلور یابد.

■ **چگونه روایت زینبی، شکست را به حماسه بدل کرد؟**

این کارشناس حوزه زنان در پاسخ به این پرسش که چگونه حضرت زینب(س) از یک شکست نظامی، پیروزی ایستاد و راقم زدند، اظهار می‌کند: این دستاورد فراتر از یک عبارت زیبا، واقعیتی تاریخی و کلامی است که عصاره نقش ایشان و مفهوم جهاد تبیین را در خود دارد. ابعاد این پیروزی متعدد است: نخست، ایشان واقعه کربلا را از یک حادثه خونین در یک نقطه جغرافیایی به یک آرمان جهانی تبدیل کردند. اگر حضرت زینب(س) نبودند، تاریخ این اتفاق را تنها به عنوان یک جنگ داخلی یا شورش ناآرامی دفن می‌کرد، اما ایشان با سخنان خود، آن واقعه را چیزی فراتر از زمان و مکان، برای همیشه در وجدان انسان‌ها زنده نگه داشتند. دوم، حضرت زینب(س) پروپاگاندای دشمن را در هم شکستند؛ دشمن در کربلا، پیروزی را در سکوت پس از خون‌ریزی می‌دید و گمان می‌کرد با کشتن امام حسین(ع) و اسیر کردن خانواده ایشان، داستان را در همان صحرا به پایان رسانده و با کنترل رسانه‌های آن زمان، روایت خودش را جایگزین خواهد کرد. اما حضرت زینب(س) با ورود به قلب مرکز قدرت، روایت رسمی پیروزمندانه دشمن را در هم شکستند و نشان دادند پیروزی میدان، پیروزی حقیقت نیست. نکته مهم دیگر اینکه ایشان به‌هدف شهادت حیات بخشیدند؛ درمنطق عاشورا، شهادت امام حسین(ع) بذری بود و تبیین حضرت زینب(س) به مثابه آب و نوری این بدر را به درخت بزرگ آزادی و عدالت تبدیل کرد. بدون تبیین، شهادت در سکوت می‌ماند و پیام آن، یعنی اصلاح‌آدمت و ایستادگی بر حق، به نسل‌های بعدی نمی‌رسید؛ ایشان با زان‌های خود، به خون امام، معنا و جهت بخشیدند. دکتر میرجعفری در پایان تصریح می‌کند: از مهم‌ترین درس‌های این واقعه، گذر از مظلومیت ایستا به اقتدار پویاست. اگر ایشان تنها یک اسیر گریه‌کن می‌بودند، شاید در دل‌ها می‌نشستند، اما ایشان یک خطیب مقتدر بودند. حضرت زینب(س) نشان دادند حتی در اوج اسارت و مظلومیت می‌توان با کلام، بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان را به لرزه درآورد. این همان چیزی است که سبب شد کربلا از مرزهای جغرافیایی خارج شده و به یک الگوی جهانی برای تمام مظلومان‌ی که در برابر ظلم ایستاده‌اند، تبدیل شود. در نهایت، باید در نظر داشت اگر امام حسین(ع) معمار مسیر بودند، حضرت زینب(س) حفاظت‌کننده مسیر و تبلیغ‌کننده مقصد بودند؛ بدون ایشان، کربلا در خاک و در تاریکی تحریف‌های دشمن گم می‌شد، اما به برکت ایشان، کربلا از خاک برخاست و در قلب تاریخ و جهان جاودانه شد.

## در پی وداع با رهبر شهید انقلاب؛ بازخوانی الگوی زینبی برای جهاد تبیین در گفت‌وگو با دکتر میرجعفری از حسین زمان تا زینبیان دوران؛ تداوم راه در غبار فتنه‌ها



اقتاع و جهت‌دهی افکار عمومی تعیین‌کننده است. در عصر رسانه‌های دیجیتال، با پدیده‌هایی مانند اخبار جعلی، جنگ‌های روانی و تبلیغات سیاه‌روبرو هستیم که با هدف وارونه‌نشان دادن حقایق، شباهت چشمگیری به تکنیک‌های تحریف‌گرایانه دوران اموی در واقعه کربلا دارد.

■ **جنگ روایت‌ها؛ ضرورت جهاد تبیین در عصر سلطه رسانه‌ای**

دکتر میرجعفری اظهار می‌کند: امروز جهاد تبیین برای هر فعال اجتماعی و رسانه‌ای یک وظیفه حیاتی است. این جهاد شامل مقابله فعالانه با روایت‌های تحریف‌آمیز، یعنی شناسایی و افشای اخبار و برداشت‌های غلطی است که هدفشان تحریب ارزش‌ها یا شخصیت‌های حق است. علاوه بر این، روایت‌گری حرفه‌ای نیز اهمیت فراوانی دارد؛ چرا که تنها افشای حقیقت کافی نیست، بلکه باید بتوان آن را در قالب‌های جذاب، رسانه‌ای و متناسب با نیاز نسل امروز، از طریق یادکست، ویدئوهای کوتاه، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای مشابه بازگو کرد.

او همچنین بیان می‌کند: حضرت زینب(س) با تبیین پیام عاشورا، از شکست ظاهری نظامی کربلا، یک پیروزی ابدی و ماندگار در تاریخ ساختند. ایشان به ما آموختند حقیقت بدون تبیین و روایت صحیح، در میان لایه‌های دروغ و فراموشی دفن می‌شود. از همین رو، امروز در برابر همه‌های گسترده

حسین وار و زینب‌وار به مسائل نگاه کنند و رسالت خود را در قبال دین و جامعه بشناسند. در نهایت، مدیریت بحران و استقامت در سختی‌ها، تجلی صبر فعال و توکل کامل به مشیت الهی است. در میانه تلخ‌ترین حوادث زندگی، چه شخصی و چه اجتماعی، زینبی‌ها الگوی صبر فعال هستند؛ یعنی صبری که منجر به فروپاشی نمی‌شود، بلکه با الهام از مقاومت ایمانی و رضایت به تقدیر الهی، منجر به بازسازی و ایستادگی می‌شود و راه را برای پیروزی نهایی هموار می‌کند.

■ **دوگانگی مکمل؛ معماران مسیر و حافظان حقیقت**

وی در تبیین ارتباط میان نقش حسین(ع) و زینب(س)، به دوگانگی مکمل اشاره می‌کند و می‌گوید: حسین(ع) با ایجاد جنبش و تغییر، مسیر را پایه‌ریزی می‌کند و زینب(س) با حفظ پیام و مسیر از طریق روایت‌گری شجاعانه و آگاهی‌بخشی، آن را تداوم می‌بخشد. در دوران حاضر، اگر حسین زمان با ایستادگی خود، جرقه‌ای از حق را روشن کند، این تنها زینبی‌های آگاه هستند که با بصیرت و اقدام به‌موقع می‌توانند از خاموش شدن این شعله جلوگیری کرده و پیام آن قیام را به گوش جهانیان برسانند.

این پژوهشگر مطالعات تطبیقی خانواده در ادامه به ضرورت جهاد تبیین در عصر حاضر نیز پرداخته و تأکید می‌کند: امروزه، میدان جنگ از شمشیر و تیر به عرصه اطلاعات و روایت‌ها منتقل شده است؛ جایی که قدرت